

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲

صص ۲۱۳-۱۸۵

کهندژنشینان و بیابان‌نشینان تمدن اطلاعاتی

(روشنگری گسست بوم‌ها)

مجتبی صادقی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد
روح اله اسدی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر جعفر جوان - استاد جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲۸

چکیده

در عصر تمدن اطلاعاتی، کهندژنشینان (در فضای جریان‌ها بودن) برخی بوم‌ها^۱ و بیابان‌نشینان (در فضای مکان‌ها بودن) برخی دیگر، پدیده‌ای است نوین، که این نوشتار بسان یک «گسست» با آن روبه‌رو است و تلاش دارد تا چرایی و چگونگی پیدایش آن را به روشنی تبیین نماید. در همین راستا این پژوهش با روشی تطبیقی - گذشته‌نگر و با رویکردی تجربی - علی‌انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نابرابری (گسست) بوم‌ها، مسبوق به میزان برخورداری آنها از دموکراسی است (گسست دموکراسی). نابرابری بوم‌های مختلف در برخورداری از دموکراسی، موجب نابرابری آنها در برخورداری از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات گردیده است (گسست فناوری). گسست فن‌آوری، خود، زمینه‌ساز ورود بوم‌های دارای فن‌آوری گسترده، به فضای جریان‌ها (کهندژهای تمدن اطلاعاتی)، و محبوس شدن بوم‌های دارای فن‌آوری کران‌مند (محدود)، در فضای مکان‌ها (بیابان‌های تمدن اطلاعاتی) گردیده است (گسست فضایی)، که نمود عینی مکانی - فضایی (جغرافیایی) آن، توسعه‌یافتگی بوم‌های فضای جریان‌ها و توسعه‌نیافتگی بوم‌های فضای مکان‌ها می‌باشد (گسست توسعه‌ای). ناگفته نماند که خود توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی یک بوم نیز به ترتیب زمینه‌ساز و زمینه‌سوز برپایی دموکراسی است. بیش و پیش از آنکه نابرابری میان بوم‌ها ریشه در «گسست فن‌آوری» داشته باشد، ریشه در «گسست دموکراسی» دارد چرا که دموکراسی وجه افتراق بوم - مکان‌ها و بوم - فضاها است. به‌عبارت دیگر،

E-mail: ro.asadi@gmail.com

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱- در این نوشتار، بوم برابر کشور، و در سطح وسیع‌تر، منطقه گرفته شده است.

«گسست‌گاه» بوم‌ها در تمدن اطلاعاتی، دموکراسی است. زیرا که دموکراسی، زمینه‌ساز پذیرش «چندگانگی پذیری» تمدن اطلاعاتی در بوم‌هاست.

واژه‌های کلیدی: تمدن اطلاعاتی، فضای جریان‌ها، فضای مکان‌ها، بوم.

مقدمه

آدمیان از آن روی که خردورز هستند، پیش از آنکه دست به کاری زنند و پا به گستره‌ای نهند، به این خواهند اندیشید که آیا پانهادن بدانجا، پیامدی خوشایند(سود) یا ناخوشایند(زیان) به بار خواهد آورد؟ پا نهادن یا پاپس کشیدن از یک گستره، در گرو سازگاری ماهیت آدمیان با ماهیت چیره بر آن گستره می‌باشد. بوم‌ها که دستاورد آدمیان هستند نیز از این چارچوبه بر کنار نیستند. بوم‌هایی که ماهیت آنها با ماهیت گستره تمدن اطلاعاتی سازگار است، پا به این گستره خواهند نهاد ولی بوم‌هایی که با ماهیت تمدن اطلاعاتی ناسازگارند، یا تمایلی به سازگاری با آن را ندارند، با فراهم نیاموردن زیرساخت‌های لازم برای ورود به تمدن اطلاعاتی، در برابر روندهای جهانی توانمندی که بوم‌ها را خواه ناخواه به سوی گستره تمدن اطلاعاتی می‌کشند، مقاومت می‌ورزند و برآنند که از فضای مکان‌ها، پا به گستره‌ی فضای جریان‌ها نهند. این دو رفتار ناهمانند، که هر دوی آنها از خردورزی و مصلحت‌اندیشی آدمی و در رأس آن، نگرش حاکمیت‌ها سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند «گسست بوم‌ها در تمدن اطلاعاتی» را روشن سازد. توان گفت که هر دو رفتار ناهمانند، از آنجایی که از آدمیان سر می‌زد، نمی‌تواند نابخردانه (بدون اندیشیدن به سود و زیان آن) باشد و ناگزیر، سودمندی ویژه‌ای را برای اندیشه چیره بر آن بوم در سر می‌پروراند. ناگفته نماند که اندیشه چیره در بوم‌های گوناگون، متفاوت است، گویاست که چیرگی اندیشه و نگرش مردم، در یک بوم دموکراتیک، بیشتر از یک بوم غیردموکراتیک می‌باشد. واکاوی علل و عوامل مؤثر بر چگونگی اتخاذ تصمیم به نفع یا ضرر آن می‌تواند آشتی‌ناپذیری نظام‌های سنت‌گرا را در راستای ورود به بوم‌های جهان‌مدار نشان دهد.

مسئله پژوهش

تمدن اطلاعاتی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم در نتیجه تکامل، تطوّر و گسترش شبکه

جهانی شکل گرفت، تمدنی است که «یک تمدن، تمدن‌های بسیار» ماهیت فلسفی آن می‌باشد و اصل بنیادین‌اش بر پایه اطلاعات و دانش جهان روا استوار است (Javan & Abdollahi, 2007:8). محرک اصلی شکل‌گیری آن، فن‌آوری‌های ارتباطی و ارتباطات گسترده جهانی است (Ibid: 9)، از این رو بوم‌هایی که از این فن‌آوری برخوردارند، خود را به کانون ثروت، قدرت و اطلاعات (فضای جریان‌ها) می‌کشاند که می‌توان از آنها با نام «کهندژنشینان تمدن اطلاعاتی» نام برد و آنهایی که از این فن‌آوری بی‌بهره‌اند و در فکر پیوستن به آن نیز نمی‌باشند، مجبور می‌شوند در بیابان بدون (یا کم) ثروت، قدرت و اطلاعات (فضای مکان‌ها) به گوشه‌نشینی تن در دهند، که از آنها می‌توان با نام «بیابان‌نشینان تمدن اطلاعاتی» یاد کرد.

جهان تحت تأثیر برهم‌کنش میان فضای مکان‌ها^۱ و فضای جریان‌ها^۲، به دو دسته کلی تقسیم شده است: یکی بازیگران فضای جریان‌ها یا همان دارندگان اصلی قدرت، ثروت و تکنولوژی است که از مزیت‌های این فضا بهره می‌جویند و دیگری، بازیگران فضای مکان‌ها یا همان بی‌بهرگان از فضای جریان‌ها که به آرامی در راه عقب‌ماندگی به پیش می‌روند (Mousavi shafaei, 2010: 20) با بهره‌گیری از این سخن که «براستی، نخواهم چون رسن‌بافان باشم که هر چه بیش می‌ریسند واپس‌تر می‌روند» (Nietzsche, 2010: 85) توان گفت که بازیگران (بوم‌های) فضای مکان‌ها، رسن‌بافانی هستند که هرچه بیش می‌ریسند، واپس‌تر می‌روند و بازیگران (بوم‌های) فضای جریان‌ها رسن‌بافانی هستند که می‌ریسند و پیش‌تر می‌آیند. به دنبال این دو روند ناهمسو، در میان بوم‌ها یک «گسست فضایی» رخ می‌نماید، که می‌تواند متأثر از گسست‌هایی باشد و خود نیز زمینه‌ساز بروز گسست‌هایی نیز بشود. از توالی این گسست‌ها در فضاهای مختلف جغرافیایی می‌توان با نام «گسست بوم‌ها» یاد کرد که در تمدن اطلاعاتی رخ می‌دهد. بنابراین، پی‌بردن به چرایی و چگونگی پیدایش «گسست بوم‌ها» در تمدن اطلاعاتی،

۱. فضای مکان‌ها (space of places): ساختارهای مکانی جوامع بشری که در سرزمین‌های تحت حاکمیت‌های مختلف می‌باشد به گونه‌ای که تفکیک، جداسازی و شکل‌گیری مرزها از ویژگی‌های آن است (Ghourchi et al, 2009:10).

۲. فضای جریان‌ها (space of flows): فضای جریان‌ها ساماندهی مادی عملکردهای اجتماعی است که دارای اشتراک زمانی هستند و از طریق جریان‌ها عمل می‌کنند (Castells, 2001:477).

مسئله‌ای است که این نوشتار به دنبال آن است و تلاش دارد تا به دو پرسش بنیادین زیر پاسخ دهد.

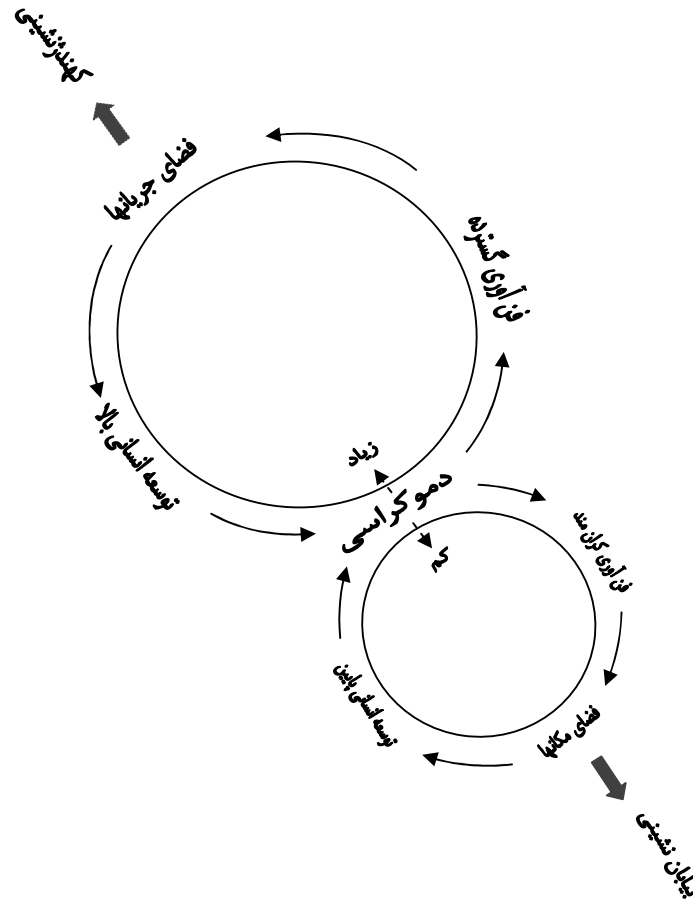
- ۱- در تمدن اطلاعاتی، گسست میان بوم‌ها چرا رخ می‌دهد؟
- ۲- در تمدن اطلاعاتی، گسست میان بوم‌ها چگونه رخ می‌دهد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، روشی تطبیقی - گذشته‌نگر با رویکرد تجربی - علی است که به گونه کمی انجام می‌گیرد. با درنگی در سخن کانت که «اصل علیت یک اصل پیش از تجربه‌ی ترکیبی فهم انسان است که در اندیشیدن بر اشیاء در زمان و مکان، از طرف تمام موجودات معقول استلزام می‌شود» (Aiken, 1963:144)، این نوشتار در یک الگوی مفهومی، دست به برپایی روابط علی میان چند متغیر زده است و از آنجایی که به گفته میل «تمام قضایا باید با آزمایش‌های تجربی موافق درآیند،...» (Ibid:143) در پس‌آیند آن تلاش شده است تا با سنجش همبستگی میان متغیرها، روابط علی به بوته آزمایش تجربی گذاشته شود. در همین راستا، تعداد ۱۲۲ کشور که داده‌های مربوط به رده‌بندی آنها در چهار شاخص دموکراسی، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و توسعه انسانی وجود داشت، مورد کنکاش قرار گرفته است.

الگوی مفهومی و مدل تحلیلی

با پاس‌داشت این‌که در روشنگری (تبیین)، کمینه‌اش باید به علت وقایع و ارتباط بین وقایع پرداخت (Soroush, 1997:79)، این دو ویژگی، در الگوی مفهومی به کار بسته شده است (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: الگوی مفهومی پژوهش

همان‌گونه که الگوی مفهومی نشان می‌دهد، برخورداری برخی بوم‌ها از دموکراسی کم (حاکمیت‌های غیردموکراتیک)، - که توسعه انسانی پایین در این بوم‌ها به این ویژگی دامن می‌زند - آنها را به جرگه بیابان‌نشینان تمدن اطلاعاتی فرو می‌کشانند، و برخورداری برخی بوم‌ها از دموکراسی زیاد (حاکمیت‌های دموکراتیک) - که توسعه انسانی بالا در این بوم‌ها، این روند را پشتیبانی می‌کند - آنها را به جرگه کهندژنشینان این تمدن فرا می‌کشد.

گرچه نمی‌توان روند برگشتی الگوی مفهومی (عکس جهت پیکان‌ها) را نادیده گرفت ولی در این نوشتار، به دو دلیل - البته به‌جز روند برگشتی دموکراسی به توسعه انسانی زیرا که توسعه

انسانی خود در دموکراتیک بودن یک بوم نیز نقش آفرین است - به روند برگشتی الگوی مفهومی پرداخته نمی‌شود: ۱- روشننگری روند برگشتی خود نیز نوشتار جداگانه‌ای را خواهان است. ۲- دیدگاه این نوشتار، دیدگاهی از پایین به بالاست که تلاش دارد، و بر این باور است که بالندگی‌ها و نالندگی‌های هر بوم را در درون همان بوم باید جستجو کرد.

در خویش بجوی ای دل آن چیز که می‌جویی

(Molavi, Divan-e Shams, Sonnet: 2620)

مبانی نظری

پشتوانه‌های تئوریک این نوشتار بر پایه تئوری جامعه شبکه‌ای^۱ و تئوری اختیار عاقلانه^۲ می‌باشد که همه واکاوی‌هایی (تحلیل‌هایی) که در راستای روشننگری گسست بوم‌ها انجام می‌گیرد، بر بنیان این دو تئوری استوار است که البته با پرداختن به عامل «دموکراسی» نیز، پای ماهیت حاکمیت‌ها (دموکراتیک یا غیردموکراتیک بودن) را به روشننگری گسست بوم‌ها باز می‌کند.

تئوری جامعه شبکه‌ای بر این است که همه جهان جدید به صورت شبکه‌ای است که بافت اصلی و تاروپود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد: (Castells, 2000: 22) بنابراین - به گفته کاستلز - «آنهایی که درون شبکه باشند، فرصتی برای تسهیم و افزایش شانس‌شان در طول زمان دارند، و آنهایی که بیرون بمانند یا بدون تغییر باشند، خواهند دید که شانس‌شان ناپدید می‌شود» (Castells, 1999: iv). بر پایه این تئوری، رویکرد این نوشتار این گونه است که (همان‌گونه که در شکل شماره ۱ آورده شده است) بوم‌هایی که به جامعه شبکه‌ای می‌پیوندند، در فضای جریان‌ها قرار می‌گیرند و می‌توانند از جریان اطلاعات، ثروت و قدرت بهره‌مند گردند. ولی بوم‌هایی که در پیوستن به این جریان‌ها، مقاومت - بیهوده و ناشدنی - می‌ورزند و تلاش دارند در فضای مکان‌ها بمانند، از این جریان‌ها برکنار می‌مانند.

¹. Network society

². Rational choice theory

ناگفته نماند که این بوم‌ها را بیش از اینکه بتوان بوم‌های «گوشه‌نشین» نامید، باید آنها را بوم‌های «گوشه‌نشین‌گرا» نام نهاد زیرا آنها گرایش دارند و تلاش می‌کنند که گوشه‌نشین بمانند (گرایش به گوشه‌نشینی)، ولی گوشه‌نشین‌گرایی آنها به این معنی نیست که آنها در گرایش خود به گوشه‌نشینی پیروز خواهند شد و خواهند توانست، خود را از جریان‌های جهان‌گستر جهانی شدن برکنار بدارند زیرا «انزوگرایی و دوری‌گزیدن از امواج قدرتمند فرایند جهانی شدن و یا اتخاذ موضع تقابلی - تهاجمی در برابر آن امری است ناممکن که صرفاً به عقب‌ماندگی و پذیرش منفعلانه ملزومات جهانی شدن می‌انجامد» (Mousavi shafaei, 2010: 322). بوم‌ها، بسان فضا‌های جغرافیایی‌ای که در فضای جریان‌ها و در جامعه شبکه‌ای می‌زیینند، ویژگی جغرافیایی سره و ناب خود را از دست می‌دهند زیرا «در شبکه، فضا از ویژگی جغرافیایی صرف خارج می‌شود و بیشتر مفهوم نسبی و انتزاعی به خود خواهد گرفت. به طور کلی فضا در شبکه، فضایی ارتباطی بوده و از نوعی سیالیت برخوردار است و ممکن است به طور همزمان گستره‌های جغرافیایی متمایز را دربرگیرد» (Ghasemi, 2008:100). اگرچه، آغوش گشودن، و آغوش بستن بر روندها، فرایندها و جریان‌های جهانی شدن، به ترتیب، برشتاب و کنده پیوستن به فضای جریان‌ها، کارساز می‌باشد ولی کناره‌گیری دل‌خواهانه از این روندها، براستی که نشدنی است زیرا فضای جریان‌ها، «یک فضای جدید جهانی است که اگرچه با مقاومت-هایی از سوی رقیب خود- فضای مکان‌ها - روبه‌روست، ولی با قدرتی فزاینده در حال سلطه-یابی بر سراسر جهان و شکل‌دادن به الگوهای جدید تولید و توزیع ثروت و قدرت در نظام بین‌المللی است. بسیاری از روندهای متعارض جهان کنونی ناشی از کشمکش و همزیستی توأمان میان این دو نوع فضا متفاوت در عصر جهانی شدن است» (Mousavi shafaei, 2010: 324-325). با توجه به آنچه بر مبنای تئوری جامعه شبکه گفته شد، این نوشتار تلاش دارد تا رابطه‌ای را بین توسعه انسانی بوم‌ها با میزان جهانی شدن آنها برپا سازد. از آنجایی که یکی از پیش‌زمینه‌های مهم پیوستن به فضای جریان‌ها، فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات می‌باشد، می‌توان رابطه‌ای بین میزان برخورداری از فن‌آوری با جهانی شدن (ورود به فضای جریان‌ها) و با توسعه انسانی برپا ساخت (شکل شماره ۱)

تئوری دیگری که با بهره‌جستن از آن می‌توان رابطه‌ای بین «دموکراسی» (شکل شماره ۱) با فن‌آوری، جهانی شدن (ورود به فضای جریان‌ها) و با توسعه انسانی برپا ساخت، تئوری اختیار عاقلانه است. بنابراین تئوری که «آدمیان، مخلوقاتی عالم و قاصدند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است.» (Little, 2002: 63) از آدمیان به‌عنوان مخلوقاتی که خردمندانه و سنجشگرانه رفتار می‌کنند، چشم‌داشت (توقع) این است که به جامعه شبکه‌ای بپیوندند و از فضای جریان‌ها خود را بهره‌مند سازند. با نگاهی به گفته‌ی کاستلز که بیان می‌دارد «آن‌هایی که درون شبکه باشند، فرصتی برای تسهیم و افزایش شانسانشان در طول زمان دارند، و آن‌هایی که بیرون بمانند یا بدون تغییر باشند، خواهند دید که شانسانشان ناپدید می‌شود» (Castells, 1999: iv)، و بر پایه تئوری اختیار عاقلانه، که هیچ اندیشنده‌ای یا هیچ بومی بر این نخواهد بود که با بیرون ماندن از جامعه شبکه‌ای، شانسان خود را ناپدید کنند، پرسش این خواهد بود که چرا برخی بوم‌ها به تمدن اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای می‌پیوندند و برخی در پیوستن به آن، مقاومت می‌ورزند؟ ریشه این دو رفتار ناهم‌اند چیست؟ اینجاست که با درهم‌آمیختن این دو تئوری (جامعه شبکه‌ای و اختیار عاقلانه)، پای «دموکراسی» به این گستره کشیده می‌شود، چرا که کنش‌گران اجتماعی با درک ماهیت این شبکه و داشتن امکان انتخاب، از خود واکنشی نشان خواهند داد.

درست است که در هر دوی این بوم‌ها (بوم - فضاها و بوم - مکان‌ها)، کنش‌های انسانی بر پایه سنجش سود و زیان و به‌کارگیری نظریه اختیار عاقلانه امور انجام می‌گیرد (تئوری اختیار عاقلانه)، ولی میزان و ملاک سنجش در همه کشورها، با ماهیت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی مختلفی انجام می‌پذیرد؛ زیرا همان‌گونه که «هانری لوفور» بر دیدگاه ایدئولوژیک، سیاسی به فضا انگشت می‌نهد و فضا را جدا از ایدئولوژی یا سیاست نمی‌داند و بر این است که فضا فرآورده‌ای است اجتماعی و همیشه سیاسی و ایدئولوژیک بوده است (Kamanroudi K & et al, 2010: 18). نباید ساختارهای چیره بر فضاها را نادیده گرفت. از آن روی که کنش‌گران، در درون ساختارها به کوشندگی (فعالیت) می‌پردازند، بنابراین گرچه که شدنی است کنش آنها بخردانه باشد، ولی همیشه دل‌خواهانه نخواهد بود زیرا هم فضای مکان‌ها، و هم فضای

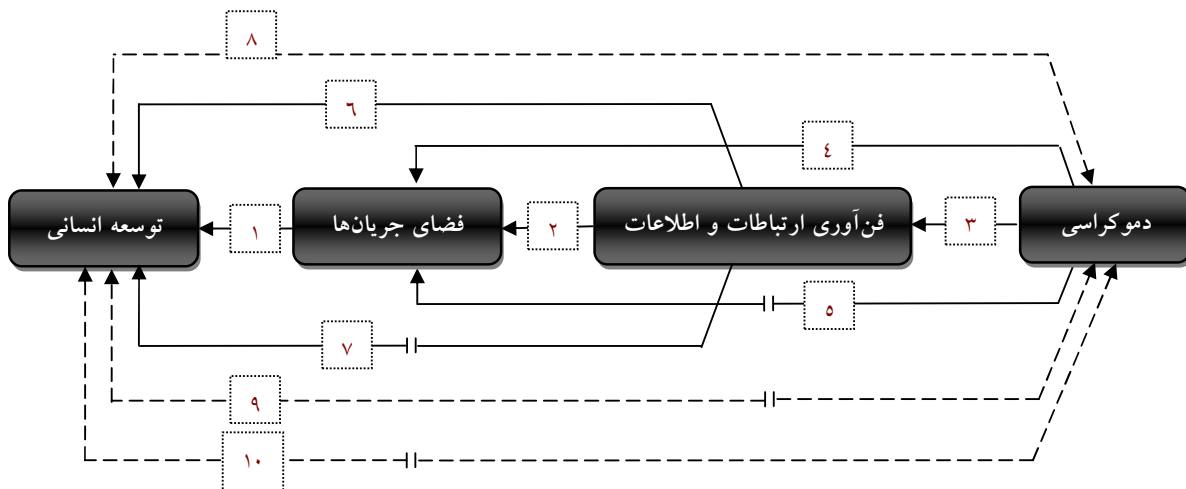
جریان‌ها دارای ساختارهایی هستند که بر کنش - بخردانه و یا نابخردانه - کنش‌گران کارساز هستند. این‌جاست که باید افزون بر تئوری اختیار عاقلانه که بر سودگرایی و زیان‌گریزی آدمیان پافشاری می‌کند، بر ساختارهای هست‌مند (موجود) در فضای مکان‌ها (ساختار حاکمیت‌ها: دموکراتیک یا غیردموکراتیک) و فضای جریان‌ها (ساختار شبکه‌ای و جهان‌گستر جامعه شبکه‌ای) انگشت نهاد. این‌جاست که بود یا نبود «دموکراسی»، به ترتیب از آن روی که نشان‌گر کارکرد دموکراتیک یا غیردموکراتیک ساختارهای چیره بر بوم‌هاست، نیز افزایش می‌یابد. بنابراین بر پایه آنچه بیان گردید، توان گفت که آنچه روشن (تیین) کننده ریشه دو رفتار ناهمانند - پیوستن برخی بوم‌ها به فضای جریان‌ها، و مقاومت‌کردن برخی از بوم‌ها در پیوستن به فضای جریان‌ها - می‌باشد، افزون بر سودگرایی و زیان‌گریزی آدمیان، به ماهیت (دموکراتیک یا غیردموکراتیک) و شیوه رفتار حاکمیت‌ها نیز وابسته می‌باشد. اگر نیک بنگریم، در خواهیم یافت که سود و زیان در یک بوم دموکراتیک که مردم در آن نقش‌آفرینی می‌کنند، با سود و زیان در یک بوم غیردموکراتیک که مردم در آن نقشی ندارند، یکسان نخواهد بود. کوتاه سخن آنکه، پذیرش چندگانگی‌ها به‌عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته تمدن اطلاعاتی (Javan & Abdollahi, 2007:16). القا کننده این است که ماهیت «چندگانگی‌پذیر» تمدن اطلاعاتی می‌تواند در بوم‌های دموکراتیک بروز و نمود پیدا کند و به بار بنشیند زیرا بر پایه نظریه اختیار عاقلانه، که بر عقلانیت جمعی امور استوار است، تلاش و ورود یک بوم دموکراتیک به تمدن اطلاعاتی نه تنها به زیان آن بوم نیست - به ماهیت آن بوم آسیب نمی‌رساند - بلکه آن را توان‌تر نیز می‌سازد. برعکس، همزیستی ماهیت چندگانگی‌پذیر تمدن اطلاعاتی با ماهیت «تک‌گانگی‌پذیر» بوم‌های دارای حاکمیت‌های تمامیت‌خواه و فراگیر، از آن روی که ناهمسو هستند، ناشدنی است، چرا که حاکمیت‌ها در راستای توجیه مسائل و مشکلات درونی، آنها را ساخته و پرداخته جهانی‌شدن و تمدن اطلاعاتی تلقی کرده و جامعه را به صورت بسته و جدا از فضاهای جهانی نگه می‌دارند. بر همین پایه، دموکراسی بسان گسست‌گاهی برای روشنگری «گسست بوم‌ها» در تمدن اطلاعاتی گرفته شده است که در دنباله به آن بیشتر خواهیم پرداخت (شکل شماره ۲).

تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش

چرایی پیدایش گسست بوم‌ها در تمدن اطلاعاتی

چرا در تمدن اطلاعاتی، میان بوم‌ها گسست رخ می‌دهد؟ به‌گونه‌ای که برخی بوم‌ها کهنه‌نشینان و برخی بیابان‌نشینان تمدن اطلاعاتی می‌شوند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد برای بررسی چگونگی علل ایجاد گسست، از شاخص‌های دموکراسی، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، در فضای جریان‌ها بودن (جهانی‌شدن) و توسعه انسانی استفاده شده است که شکل شماره ۲ به صورت نمادین روابط علی بین شاخص‌ها را نشان می‌دهد. جدول شماره ۱، چگونگی تأثیرگذاری عوامل روی یکدیگر را به صورت کمی نشان می‌دهد. از آنجایی که شکل شماره ۲، در راستای الگوی مفهومی (شکل شماره ۱) می‌باشد، لذا به‌جز رابطه دموکراسی و توسعه انسانی (رابطه ۸، ۹ و ۱۰) که هر دو جهت آن مدنظر است، در دیگر روابط بین متغیرها، تنها به یک جهت رابطه پرداخته خواهد شد.

شکل شماره ۲: روابط علی روشنگری گسست بوم‌ها در تمدن اطلاعاتی



در جدول شماره ۱، بین رده^۱ بوم‌ها (کشورها) در هر یک از چهار شاخص شکل شماره ۲، همبستگی گرفته شده است تا وابستگی‌ها نمایان گردد (شماره روابط در شکل شماره ۲ و جدول شماره ۱ یکسان است).

جدول شماره ۱: همبستگی بین رده بوم‌ها (کشورها) در هر یک از چهار شاخص

رابطه علی	شماره رابطه	دموکراسی ^۲	فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات ^۳	فضای جریان‌ها ^۴	توسعه انسانی ^۵	همبستگی	
						Sig	ضریب جهت
مستقیم	۱	-	-	■	■	۰۰	۰.۸۶ هم‌سو
	۲	-	■	■	-	۰۰	۰.۸۸ هم‌سو
	۳	■	■	-	-	۰۰	۰.۶۶ هم‌سو
	۴	■	◀	■	-	۰۰	۰.۷۰ هم‌سو
غیرمستقیم	۵	■		■	-	۰۰	۰.۳۴ هم‌سو
	۶	-	■	◀	■	۰۰	۰.۹۷ هم‌سو
	۷	-	■		■	۰۰	۰.۸۹ هم‌سو
	۸	■	-	-	■	۰۰	۰.۶۴ هم‌سو
	۹	■		-	■	۰.۷	۰.۳۴ X
	۱۰	■	-		■	۰.۷	۰.۱۷ X

علامت ■: دو متغیری که ضریب همبستگی مربوط به آنهاست را نشان می‌دهد.

علامت ◀: متغیری که در رابطه همبستگی بین دو متغیر، کنترل نشده است را نشان می‌دهد.

علامت ||: متغیری که در رابطه همبستگی بین دو متغیر، کنترل شده است را نشان می‌دهد.

^۱. Rank

^۲. Democracy index 2010 Democracy in retreat, A report from the Economist Intelligence Unit, www.eiu.com

^۳. www.itu.int/ITU-D/

^۴. از آنجایی که شاخص کوف، جهانی شدن را فرآیند خلق شبکه‌ای از پیوندها میان کنشگران در فواصل بین قاره‌ای تعریف می‌کند که در محدوده وسیع و متنوعی از جریان‌ها شامل جریان مردم، اطلاعات و عقاید، سرمایه و کالا تجلی می‌یابد (Abdollahi, 2009: 127)، بنابراین، برای سنجش در «فضای جریان‌ها بودن» یا در «فضای مکان‌ها بودن» بوم‌ها، از داده‌های شاخص کوف از منبع <http://globalization.kof.ethz.ch> بهره گرفته شده است.

^۵. hdr.undp.org/en/media/HDI2008Tables_rev.xls

رابطه ۱: همبستگی «در فضای جریان‌ها بودن» با «توسعه انسانی»

با درنگی بر گفته گیدنز: «وقتی شما دنیایی دارید که ارزش پول جیب‌تان تحت تأثیر آنی معاملات الکترونیکی است که در فاصله نه‌چندان دوری از شما در حال اتفاق افتادن است...» (Giddens, 2000: 38)، آیا می‌توان گفت که سرنوشت بوم‌ها از جریان‌های جهانی جداست؟ مسلماً نه! چرا که «فرایند جهانی شدن چنان دنیا را فشرده و درهم‌تنیده است که هیچ واحد اجتماعی نمی‌تواند درهای خود را به روی جریان‌ها و شبکه‌های جهانی ثروت، قدرت و اطلاعات ببندد» (Tohid fam, 2002: 11)، ولی همواره جهانی شدن به‌عنوان یکی از شرایط تعیین‌کننده جامعه معاصر در سراسر دنیا در حال گسترش است (Scholte, 2007: 19). اگرچه «در فضای جریان‌ها بودن»، خودبه‌خود، و به‌تنهایی در راستای رسیدن به توسعه بسنده (کافی) نیست ولی به‌دلیل گره‌خوردگی سرنوشت بوم‌ها به یکدیگر و نیز به همکاری و رقابت آن‌ها در شبکه‌های جهانی، برای توسعه بایسته (لازم) است. در همین راستا رابطه ۱ نشان می‌دهد که: یک همبستگی همسو (مستقیم) و شدیدی (۰.۸۶) میان در «فضای جریان‌ها بودن» یک بوم با «توسعه انسانی» در آن بوم، پابرجاست. درست است که جهانی شدن ناگزیر رشد و توسعه را در همه کشورها فراهم نمی‌آورد و در مناطق و کشورهای مختلف پی‌آمدهای گوناگونی بر فقر دارد (Saei, 2008: 84)، ولی روی هم‌رفته یافته‌ها نشان می‌دهد که، هر بومی که بیشتر در فضای جریان‌ها جای گرفته است (رده بالاتری در شاخص کوف دارد)، توسعه‌یافتگی بیشتری دارد (رده‌ی بالاتری را نیز در شاخص توسعه انسانی به‌دست آورده است)، این سخن، رابطه ۱ در شکل شماره ۲ را گویا می‌سازد. اگر توسعه را افزایش توانمندی‌های انسانی و گسترش دامنه‌ی گزینش‌های انسان، و توسعه‌نیافتگی را در نبود آزادی‌ها یا توانمندی‌های انسانی بدانیم (Mahmoudi, 2009: 129)، توان گفت که در فضای جریان‌ها بسی بیشتر از فضای مکان‌ها، گزینه‌هایی برای انتخاب انسان هست. چرا که اطلاعات گره‌زننده توسعه با فضای جریان‌ها می‌باشد زیرا «اطلاعات خون زندگی اقتصاد دیجیتال است» (Mohaghar, 2008: 106)، بدون ورود به فضای جریان‌ها، «اطلاعاتی» نخواهد بود، و بدون «خون اطلاعات»، شکل‌گیری فرآیندهای اقتصادی زاینده زندگی اقتصادی - که خود بخشی از فرآیند توسعه است - ناشدنی

است.

اگر به گفته بروکفیلد، توسعه را پیشرفت به سوی اهداف رفاهی مانند کاهش فقر، بیکاری و کاهش نابرابری بدانیم (Hoseinpour, 2009: 157)، پویایی بازارهای داخلی نقش بسزایی در توسعه یک بوم بازی خواهد کرد، بنابراین با نگاهی به باور کاستلز که، «پویایی بازارهای داخلی نهایتاً به ظرفیت شرکت‌ها و شبکه شرکت‌های داخلی برای رقابت در سطح جهان بستگی دارد» (Castells, 2001: 130)، در خواهیم یافت که توسعه یک بوم، به ورود آن بوم به فضای جریان‌ها، وابسته است. این وابستگی زمانی آشکارتر خواهد شد که دریابیم، ورود به فضای جریان‌ها کاری است گریزناپذیر، زیرا «با گسترش جهانی شدن بازارها، تنها راه ادامه بقاء شرکت‌ها و سازمان‌ها منوط به افزایش رقابت‌پذیری و کسب و حفظ مزیت رقابتی پایدار می‌باشد» (Rahmanseresht & Afsar, 2008: 38-39). در فرجام، برای توسعه یافتگی یک بوم، گام نهادن به فضای جریان‌ها بایسته (لازم) است ولی کافی نیست زیرا چه بسا بومی که پیش از توانمندسازی خود، بی‌باکانه و بدون فراهم‌سازی پیش‌زمینه‌های بایسته، گام در فضای جریان‌ها نهد و در گردابِ گردنده فضای جریان‌ها، تار و پودش از هم پاشد. ناگفته نماند که نباید از روند برگشتی همبستگی‌ها مانند اثر توسعه یافتگی یک بوم بر در فضای جریان‌ها بودن آن بوم چشم‌پوشی کرد.^۱

رابطه ۲: همبستگی «فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات» با «درفضای جریان‌ها بودن»

رابطه ۲ نشان‌دهنده یک همبستگی همسو و شدیدی (۰.۸۸) میان در فضای جریان‌ها بودن یک بوم با برخورداری آن بوم از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که بوم‌هایی که فراگیرتر، از فن‌آوری گسترده برخوردارند (رده بالاتری در شاخص فن‌آوری دارند)، بیشتر در فضای جریان‌ها جای دارند (رده بالاتری در شاخص کوف دارند). اگر دریابیم

^۱ همان‌گونه که در ابتدای نوشتار اشاره گردید، نمی‌توان از روند برگشتی این همبستگی‌ها چشم‌پوشی کرد لذا بنا به رویکرد پژوهش که ریشه چالش‌های هر بوم را در درون آن جستجو می‌کند، و همچنین نمی‌توان همه این روابط را در یک نوشتار جای داد، بنابراین تنها به یک سوی همبستگی‌ها پرداخته شده است.

که یکی از لایه‌های سه‌گانه فضای جریان‌ها، محرک‌های الکترونیکی هستند (Castels, 2001: 477)، روشن خواهد شد که همان‌گونه که زایش فضای جریان‌ها و سربرآوردن تمدن اطلاعاتی، بدون فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات شدنی نیست، واردشدن به این فضا و این تمدن، بدون فن‌آوری، نشدنی خواهد بود. در فضای جریان‌ها بودن یک بوم، نیازمند و وابسته است به برخورداری آن بوم از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات.

رابطه ۳: همبستگی «دموکراسی» با «فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات»

با نگاهی به باور زیمل که «... ماهیت روابط اجتماعی بر حسب آنکه مشارکت‌کنندگان به لحاظ فضایی مجاور یکدیگر باشند یا جدا از یکدیگر باشند تغییر می‌کند» (Hafeznia, 2008: 7)، می‌توان گفت که «فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات» - بسان ابزاری که بوم‌های جدا افتاده و جدا از هم فضای مکان‌ها را در فضای جریان‌ها گردهم می‌آورد - و دموکراسی - که زمینه گسترش این ابزار جهان‌پیما را فراهم می‌سازد - با یکدیگر همبستگی تنگاتنگی دارند. رابطه ۳ نشان‌گر آن است که: یک همبستگی همسو، با شدت متوسط (۰.۶۶) میان برخورداری بوم‌ها از «فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات» و «دموکراتیک بودن» آنها پابرجاست. بوم‌هایی که از دموکراسی بیشتری برخوردارند (رده‌ی بالاتری را در شاخص دموکراسی دارند)، از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات گسترده‌تری بهره‌مند می‌باشند (در شاخص برخورداری از فن‌آوری، رده بالاتری را از آن خود کرده‌اند). این یافته زمانی خود را برجسته نشان می‌دهد که در پیشانی خود نشان از آن دارد که ۱- در فرآیند جهانی‌شدن، جریان سیاسی حاکم، پرچمدار روندی دموکراتیک و مردم‌سالار است (Javan&Abdollahi, 2006: 101)؛ ۲- فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات، ابزار واردشدن به این جریان‌های دموکراتیک و چندگانگی‌ها (تمدن اطلاعاتی) می‌باشد؛ ۳- از آنجایی که دولت‌ها در رابطه بین جامعه و تکنولوژی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (Castels, 2001: 39)، برخورداری یک بوم از فن‌آوری، به برخورداری آن بوم از دموکراسی (الگوی چندگانگی‌پذیر) وابسته است. بنابراین تنها بوم‌های دموکراتیک خواهند بود که به دلیل همسازی روند دموکراتیک خود با روند دموکراتیک فرآیند جهانی‌شدن، ابزار ورود

به فضای جریان‌ها یعنی فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات را بی‌کران (بدون محدودیت) گسترش خواهند داد.

رابطه ۴ و ۵: همبستگی «دموکراسی» با «در فضای جریان‌ها بودن»

با نگاهی به گفته گیدنز که جلوگیری از رشد فزاینده روش دموکراتیک، کمابیش نشدنی است (Giddens, 2000: 120)، با درنگ در اینکه گیدنز بیان می‌دارد: در جامعه یکپارچه جهانی، هیچ کس بیرون از آن زندگی نمی‌کند، و زندگی در انزوا در واپسین دم سده بیستم بسیار کم شده است (Ibid:77) و همچنین با اندیشیدن در اینکه جهانی شدن یعنی این‌که هیچ کس نمی‌تواند تصمیم بگیرد که در تغییر و تحولات ناشی از تجدد شرکت نکند (Golmohamadi, 2002: 73)، به گونه‌ای، دموکراتیک شدن و جهانی شدن کاری و ادارانه (اجباری) پنداشته می‌شود. یعنی خودبه‌خود رخ می‌دهد؟ اگر چنین است، آیا سخن از بیابان-نشینان تمدن اطلاعاتی سخنی تهی نخواهد بود؟ آیا از دموکراتیک شدن که خود بر ارزش‌هایی سوار است که گاه‌ها باید بگذرد تا به فرهنگ یک بوم درآید، از آن گریزی نیست؟ آیا توان گفت که چون همه بوم‌ها خواه‌ناخواه میزبان مهمان خوانده یا ناخوانده جهانی شدن هستند، و همه آنها وادار به توسعه و پیشرفت هستند؟ آنچه می‌توان گفت این است که شاید شدنی است که بوم‌ها را از جهانی شدن (در فضای جریان‌ها زیستن) و دموکراتیک شدن، گریزی نباشد، ولی از آنجایی که بوم‌های گوناگون، با جهان‌بینی‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و حاکمیت‌های گوناگونی در این جهان می‌زی‌اند، چگونگی برخورد آنها با پدیده جهانی شدن و روندهای دموکراتیک، ناهمانند خواهد بود. گویاست که سخن از «بیابان‌نشینان تمدن اطلاعاتی» به این معنا نیست که آنها راهی دل‌خواهانه برگزیده‌اند و بر کناری، به دور از فضای جریان‌ها می‌زی‌اند، بلکه به این معناست که زیر سازوکار فضای جریان‌ها، به دلیل عدم زمینه‌سازی آگاهانه (اختیار غافلانه) در راستای ورود به فضای جریان‌ها، ناخواسته به جرگه کناره‌نشینان، تمدن اطلاعاتی پیوسته‌اند. در اینجا سخن از زیستن یا نزیستن در عصر تمدن اطلاعاتی نیست (بودن) - زیرا خواه‌ناخواه همه بوم‌ها از این جریان‌ها تأثیرپذیرند - بلکه سخن از چگونگی زیستن در این تمدن است

(باشیدن). با نگاهی به آنچه گذشت، توان گفت که «دموکراسی» و «درفضای جریان‌ها بودن» را پیوندی تنگاتنگ برپاست. رابطه ۴ گویای آن است که: بدون کنترل متغیر فناوری (۱) در همبستگی میان دموکراسی و در فضای جریان‌ها بودن، همبستگی میان آنها یک همبستگی همسو، با شدت زیاد (۰.۷) می‌باشد. این نشان می‌دهد که هر چه بوم‌ها از دموکراسی بیشتر برخوردارند، بیشتر در فضای جریان‌ها جای گرفته‌اند. بوم‌هایی که رده بالاتری در شاخص دموکراسی دارند، در شاخص کوف نیز رده بالاتری را از آن خود کرده‌اند. رابطه ۵ نشان می‌دهد که اگر در همبستگی میان دموکراسی و در فضای جریان‌ها بودن، متغیر فناوری کنترل شود (II)، ضریب همبستگی میان آنها از ۰.۷ (همبستگی همسو، با شدت زیاد) به ۰.۳۴ (همبستگی همسو، با شدت کم) کاهش خواهد یافت. همسنجی دو رابطه ۴ و ۵ نشان می‌دهد که دموکراسی بدون فناوری، در فضای جریان‌ها بودن را در پی نخواهد داشت. این یافته‌ای خردپسند است زیرا می‌توان بومی را در اندیشه انگارید که دموکراتیک است ولی به دلیل آنکه زمینه ورود به فضای جریان‌ها (فناوری) را فراهم نساخته، هنوز در فضای جریان‌ها جای نگرفته است. یافته‌های رابطه ۴، گویای آن‌اند که فضای سیاسی دموکراتیک و فناوری‌های نوین ارتباطی دو زیرساخت بنیادی شکل‌گیری جهانی شدن می‌باشند (Javan & Abdollahi, 2006: 97) به گونه‌ای که بدون هر یک، رفتن به فضای جریان‌ها و پانهادن به گستره تمدن اطلاعاتی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

رابطه ۶ و ۷: همبستگی «فناوری ارتباطات و اطلاعات» با «توسعه انسانی»

رابطه ۶، یک همبستگی همسو، با شدت خیلی زیادی (۰.۹۷) را میان فناوری و توسعه انسانی - بدون کنترل متغیر در فضای جریان‌ها بودن (۱) - نشان می‌دهد. به گونه‌ای که هر چه بوم‌ها بیشتر از فناوری ارتباطات و اطلاعات برخوردار می‌شوند، رده آنها در شاخص توسعه انسانی نیز بهتر می‌شود. رابطه ۷ همانند رابطه ۶، یک همبستگی همسو، با شدت زیاد (۰.۸۹) را میان فن‌آوری و توسعه انسانی نشان می‌دهد البته با این تفاوت که متغیر در فضای جریان‌ها بودن در آن کنترل (II) شده است. رابطه ۷ باز هم نشان از رابطه همسو و شدید میان فناوری و توسعه

انسانی دارد. با همسنجی ضریب همبستگی در دو رابطه ۶ و ۷ توان گفت که با کنترل متغیر در فضای جریان‌ها بودن، ضریب همبستگی میان فناوری و توسعه انسانی از ۰.۹۷ به ۰.۸۹ کاهش می‌یابد، یعنی متغیر در فضای جریان‌ها بودن، خیلی در رابطه دو متغیر نقشی نداشته است! این یافته، نشانگر این نیست که توسعه انسانی خیلی به بودن بوم‌ها در فضای جریان‌ها وابسته نیست زیرا رابطه ۱ این وابستگی را نمایان ساخت. همچنین نشانگر این هم نیست که فن‌آوری به خودی خود، بدون آنکه باعث جای‌دادن بوم‌ها در فضای جریان‌ها شود، توسعه انسانی را به‌دنبال دارد زیرا گرچه «استقرار مجدد توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی در عصر اطلاعات، به ارتقای فن‌آوری کلان کشورها، شرکت‌ها و خانواده‌ها در سراسر جهان... نیاز خواهد داشت» (Castells, 1999: iv) ولی «فن‌آوری به خودی خود، مشکلات اجتماعی را حل نمی‌کند ولی در دسترس‌بودن و استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات، پیش‌نیازی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در جهان ماست» (Ibid:3).

با نگاهی به آنچه گفته شد، نقش ناچیز متغیر در فضای جریان‌ها بودن در همبستگی میان فناوری و توسعه انسانی به این معنا خواهد بود که گرچه فن‌آوری به خودی خود مشکلات اجتماعی را حل نمی‌کند، ولی، پیش‌نیاز ورود بوم‌ها به فضای جریان‌ها را فراهم می‌سازد، به‌گونه‌ای که هر آن، که فناوری ارتباطات و اطلاعات گسترده در بومی برپا می‌گردد، همگام و هم‌دوش آن، خواه‌ناخواه، واردشدن به فضای جریان‌ها امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین کم-ویش، گسترش فن‌آوری خودبه‌خود واردشدن به فضای جریان‌ها را به‌دنبال دارد زیرا پس از ایجاد فن‌آوری فراگیر در یک بوم، جای‌گرفتن آن بوم - با چشم‌پوشی از میزان آن - در فضای جریان‌ها گریزناپذیر خواهد بود. «گرچه فن‌آوری به خودی‌خود تغییرات اجتماعی و تحولات تاریخی را تعیین نمی‌کند، [ولی] فن‌آوری و کمبود آن [- میزان درجه آن-] ظرفیت جوامع برای تغییر دادن خویش را فراهم آورده است» (Gerloff, 2008: 12)، به عبارت دیگر فن‌آوری از آن‌روی که زمینه‌ساز تغییرات و ابزار بهره‌گیری از شبکه‌های فضای جریان‌هاست، در توسعه انسانی نقش مؤثری را ایفا می‌کند.

رابطه ۸، ۹ و ۱۰: همبستگی «دموکراسی» و «توسعه انسانی»

با نگاهی به اینکه، دموکراسی یعنی فراهم شدن امکانات برابر و همگانی برای همه اعضای یک نظام سیاسی جهت شکل دادن به سرنوشت خود (Scholte, 2007: 29) و توسعه یعنی «فرایند گسترش انتخاب‌های مردم»^۱ (Alkire, 2010: 13)، همبستگی مفهومی «دموکراسی» و «توسعه انسانی» آشکار می‌گردد. «مردم دارایی واقعی یک کشور هستند، آرمان بنیادی توسعه، فراهم کردن یک محیط توانمند برای مردم در راستای زندگی طولانی، تندرستی و زندگی‌های خلاقانه، می‌باشد. شدنی است که این، حقیقتی ساده بنمایاند، ولی اغلب، در گیرودار انباشت کالاها و دارایی [های] مالی، بی‌درنگ فراموش می‌شود (Ibid: 3). کمابیش همه اندیشه‌ورزان، توسعه بدون دموکراسی را نشدنی دانسته‌اند برای نمونه، نیکسون بر این باور است که «تنها مردم قادرند، مشکلاتی را که مردم ایجاد کرده‌اند حل کنند» (Gholipour & Pirannezhad, 2007: 221). به گفته پیتر دونالدسن، با توجه به رنج‌آور بودن فرآیند توسعه، اگر همه مردم با آگاهی همگانی از دگرش‌ها و نیاز سازگاری با آن، در توسعه مشارکت نداشته باشند، ادامه توسعه نشدنی خواهد بود (Hoseinpour, 2009: 156-157). با نگاهی به گفته کلابریز و بارتون، که فرآیند دموکراسی امکان رشد و پیشرفت را برای همه افراد جامعه فراهم می‌کند (Javidi kalateh, 2006: 151) و با استثنای توسعه کشور چین و شرق آسیا - که البته انسانی بودن توسعه آنها قابل تأمل است - در خواهیم یافت که تمدن اطلاعاتی که مبتنی بر دانایی و تکنولوژی است جز در کشورهای دموکراتیک امکان رشد ندارد. گرچه در تمدن اطلاعاتی نقش اطلاعات برجسته می‌نماید، ولی دموکراسی خود پیش‌زمینه بسیار بستر ساز برای بهره‌مندی از اطلاعات و در پی آن، توسعه می‌باشد. زیرا اگر توسعه را فرایند «افزایش انتخاب‌های مردم» و دموکراسی را «افزایش قدرت انتخابی» مردم بدانیم، آنگاه درمی‌یابیم که پیوند تنگاتنگی میان «افزایش گزینه‌های گزینش» (توسعه) و «افزایش قدرت

۱. با نگاهی گذارا به تعاریف توسعه انسانی از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹، آنچه برجسته می‌نماید و بر آن انگشت نهاده می‌شود، این است که توسعه انسانی یعنی «فرایند گسترش انتخاب‌های مردم» (Alkire, 2010: 13)

گزینش» (دموکراسی) برپاست. از یک سو، خود «افزایش قدرت گزینش»، بسان یک گزینه نیازمند «افزایش گزینه‌های گزینش» می‌باشد (وابستگی دموکراسی به توسعه) و از سوی دیگر، خود «افزایش گزینه‌های گزینش» نیازمند «افزایش قدرت گزینش» است زیرا گزینه‌های گوناگون بدون قدرت گزینش کاربردی نخواهند داشت و بدون قدرت گزینش، این گزینه‌ها به دل نخواهد نشست. سرانجام آنکه توسعه در یک بوم، وابسته به دموکراسی در آن بوم است زیرا به گفته هگل «بدون علاقه فاعل فعل، هیچ کاری به سامان نمی‌رسد...» (Aiken, 1963: 94) و همچنین بدون فراهم آمدن توسعه انسانی در یک بوم، دموکراسی در آن بوم با چالش‌های بسیاری روبه‌رو خواهد بود.

رابطه ۸، ضریب همبستگی (۰.۶۴) میان دموکراسی و توسعه انسانی را نشان می‌دهد، یعنی بوم‌هایی که بیشتر از دموکراسی برخوردار بوده‌اند، رده بالاتری را نیز در شاخص توسعه انسانی از خود نشان داده‌اند. هرچه دموکراسی افزایش یابد، توسعه انسانی نیز افزایش خواهد یافت و بر عکس. رابطه ۹ نشان می‌دهد که اگر متغیر فن‌آوری را در همبستگی میان دموکراسی و توسعه انسانی، کنترل (II) کنیم، همبستگی میان آنها بی‌معنا خواهد شد. رابطه ۱۰ نیز گویاست که معناداری همبستگی میان دموکراسی و توسعه انسانی در گرو متغیر فضای جریان‌هاست زیرا اگر متغیر در فضای جریان‌ها بودن را از رابطه آنها برگیریم (II)، رابطه، بی‌معنا خواهد شد. ریشه آن این است که در روزگار تمدن اطلاعاتی که اطلاعات در جهان نقش آفرینی می‌کند، معنابخشی به رابطه دموکراسی و توسعه انسانی یک بوم در گرو فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و ورود به فضای جریان‌ها می‌باشد.

روی هم‌رفته، توان گفت که در تمدن اطلاعاتی، توسعه انسانی در یک بوم وابسته است به ورود آن بوم به فضای جریان‌ها، وارد شدن به فضای جریان‌ها در گرو برخورداری از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات و آن نیز، وابسته است به برخورداری بوم‌ها از دموکراسی، همچنین میزان برخورداری یک بوم از توسعه انسانی نقش بسیاری در بهره‌مندی آن بوم از دموکراسی دارد. با لحاظ کردن این عوامل متوالی و مترتب‌برهم، در پاسخ به این پرسش که چرا میان بوم‌ها گسست رخ می‌دهد؟ می‌توان این گونه گفت که: زیرا بوم‌ها به گونه‌ای نابرابر، از دموکراسی

(پیش‌زمینه‌ای‌ترین زمینه)، از فن‌آوری ارتباطات اطلاعات و از جریان‌های فضای جریان‌ها برخوردارند که توسعه‌یافتگی کهندژنشینان و توسعه‌نیافتگی بیابان‌نشینان (گسست توسعه‌ای) نمود مکانی - فضایی این نابرابری‌هاست. ناگفته نماند که نابرابری بوم‌ها از نظر توسعه‌یافتگی، خود به برخورداری نابرابر بوم‌ها از دموکراسی، دامن می‌زند.

چگونگی پیدایش گسست بوم‌ها

اکنون که چرایی پیدایش گسست بوم‌ها بر ما روشن شد، در اینجا به چگونگی پیدایش گسست بوم‌ها می‌پردازیم. در پی آن خواهیم بود که چگونه گسست در میان بوم‌ها رخ می‌دهد؟ (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲: سه موج پدیدآور کهندژنشینی و بیابان‌نشینی در تمدن اطلاعاتی

بوم	فن‌آوری گسترده				فضای جریان‌ها				توسعه انسانی				
	توانستن		خواستن		توانستن		خواستن		توانستن		خواستن		
	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	
دموکراتیک	☺	☺	☺	☺	☺	☺	☺	☺	☺	☺	☺	☺	☺
گسست													
غیردموکراتیک	☹	☹	☹	☹	☹	☹	☹	☹	☹	☹	☹	☹	☹

آدمیان از آنجایی که به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند بالطبع دارای ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاصی هستند که بنا بر آن، بوم‌های آنها توسط سازمانها و نهادهایی که خود به وجود آورده‌اند، اداره می‌شوند. در برخی از این بوم‌ها، منابع کم‌یابی چون قدرت، ثروت توزیع شده و در برخی دیگر متمرکز در گروه‌های خاصی و یا فرد خاصی متبلور می‌شود. بنابراین در راستای تصمیم‌گیری بر اساس عقلانیت جمعی توان گفت، در جوامع دموکراتیک که قدرت و ثروت و اطلاعات در بین شهروندان توزیع شده است، مردم، ورود به فضای جریان‌ها را می‌خواهند - سود خود را در آن می‌بینند و درصدد بهره‌مندی بیشتر

از جریان‌های ثروت، قدرت و اطلاعات هستند - و نیز می‌توانند وارد شبکه‌ها شوند زیرا شهروندان به دلیل توزیع ثروت، قدرت و اطلاعات در این جوامع، از توانایی لازم آن برخوردارند. در جوامع غیردموکراتیک که ثروت، قدرت و اطلاعات متمرکز در گروه‌های خاصی و یا فرد خاصی است، به دلیل آنکه در فرآیند جهانی‌شدن، جریان سیاسی حاکم، پرچمدار روندی دموکراتیک و مردم‌سالار است (Javan & Abdollahi, 2006: 101) سود خود را در «بوم - مکان بودن» می‌داند و «بوم - فضا شدن» را به زیان خود می‌بیند، بنابراین در برابر ورود به فضای جریان‌ها مقاومت می‌ورزد، و این درست هم‌راستای تئوری اختیار عاقلانه است که آدمیان را اندیشندگانی می‌پندارد که همیشه به سود و زیان کارشان می‌اندیشند زیرا دیده می‌شود که در پس هر دو رفتار (بوم - مکان ماندن یا بوم - فضا شدن) سنجشی در کار است و سود و زیان آن سنجیده می‌شود. آنچه ماهیت سود و زیان را در جوامع تغییر می‌دهد، دموکراتیک بودن یا نبودن جوامع است. جدول شماره ۲ که تبیین‌گر چگونگی پیدایش گسست در بوم‌هاست، به کمک تئوری اختیار عاقلانه، دو روند ناهمساز و ناهمانند را که ریشه در دموکراتیک‌بودن یا نبودن بوم‌ها دارد، روشن می‌سازد. این تبیین به شرح زیر است:

😊 در یک بوم دموکراتیک: گام نخست، از آنجایی که زمینه بهره‌مندی از فضای جریان‌ها (جریان‌های ثروت، قدرت و اطلاعات) در گروه برخوردار از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات است، مردم و دولت خواهان فن‌آوری گسترده هستند (خواستن) و همچنین هر دو نیز می‌توانند فن‌آوری را بخواهند (توانستن) زیرا نه تنها ناسازگاری‌ای میان ماهیت دموکراسی خود با ماهیت «فردگرایی شبکه‌ای شده» (Javan & Abdollahi, 2006: 102) و ندای «هم این و هم آن» (Javan & Abdollahi, 2007: 12) تمدن اطلاعاتی نمی‌بینند بلکه آن را هم‌افزای آن می‌یابند. برآیند این سودمندانه‌اندیشی، برخورداری آن بوم از فن‌آوری گسترده را فراهم می‌آورد. در گام دوم، مردم و دولت می‌توانند به فضای جریان‌ها وارد شوند زیرا در گام نخست، از فن‌آوری گسترده برخوردار شدند (توانستن)، و همچنین می‌خواهند که در فضای جریان‌ها جای گیرند (خواستن) زیرا در حکومت دموکراتیک، حاکمیت بر اساس رأی و انتخاب آزادانه مردم شکل می‌گیرد بنابراین هدف حکومت کسب رضایت مردم است،

مشروعیت حکومت نیز به همین صورت فراهم می‌آید (Ghoreishi & Rafiei, 2009: 174). بنابراین دولت همیشه بر آن است تا از هر روشی از جمله واردشدن به فضای جریان‌ها، که در خشنودی مردم و برآوردن خواسته‌های مردم تأثیر بسزایی دارد، بهره جوید. در گام سوم، هم مردم و هم دولت از آن روی که خردورز و سوداندیش بوده و در کنارهم هستند، بی‌گمان خواهان توسعه انسانی بوم خویش می‌باشند (خواستن)، و همچنین توان آن را هم دارند که بوم را به توسعه برسانند (توانستن) زیرا در گام دوم، خود را در فضای جریان‌ها جای داده‌اند و می‌توانند از جریان‌های ثروت، قدرت و اطلاعات تمدن اطلاعاتی در راستای توسعه بوم خویش، بهره جویند. فرجام آنکه، برخی بوم‌ها با گذراندن این فرآیند سه مرحله‌ای، گام به گام خود را به کهندهای تمدن اطلاعاتی نزدیک‌تر می‌کنند و در شمار کهنده‌نشینان درمی‌آیند.

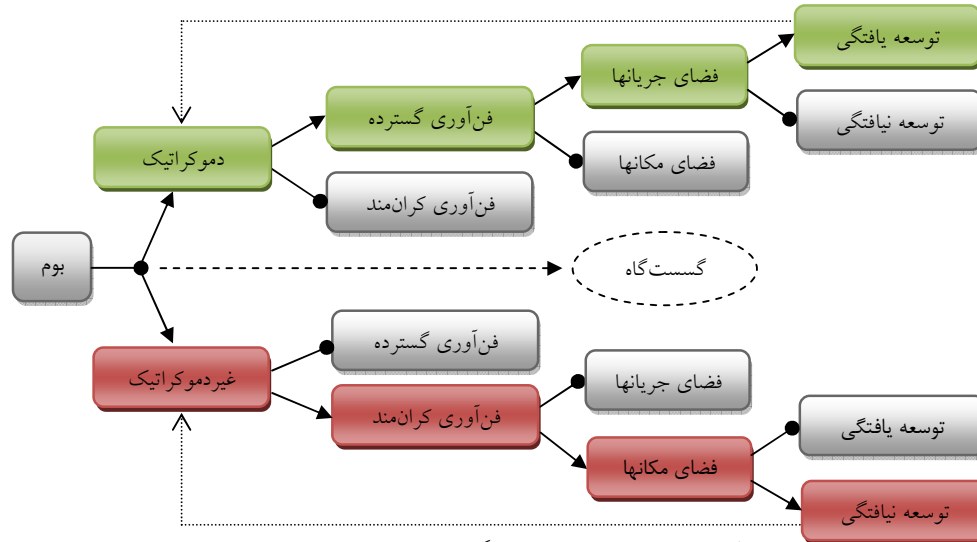
⊕ در یک بوم غیردموکراتیک: در گام نخست، از آنجایی که زمینه بهره‌مندی از فضای جریان‌ها (جریان‌های ثروت، قدرت و اطلاعات) در گرو برخورداری از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات است، فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات، جهانی‌شدنی را به دنبال دارد که به گفته مارتین آلبرد پیونددهندهی مردم جهان در یک جامعه فراگیر جهانی است (Pourpashakasin, 2007: 216)، و نیز «فردگرایی شبکه‌ای شده» را در پی دارد، مردم خواهان فن‌آوری گسترده خواهند بود (خواستن) ولی از آنایی که «در سراسر جهان، آغازگر تکنولوژی اطلاعات دولت‌ها بودند» (Castells, 2001: 91) مردم نمی‌توانند، زیرا فراهم‌آوری زیرساخت‌های فن‌آوری کاری فردی نیست (نتوانستن). دولت غیردموکراتیک چندگانگی ناپذیر نیز به دلیل ناهم‌سازی و ناهم‌زیستی با تمدن چندگانگی‌پذیر (تمدن اطلاعاتی)، خواهان گسترش فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات نیست (نخواستن). بنابراین برخورداری از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات کران‌مند (محدود) برآیند این گام نخست خواهد بود. در گام دوم، مردم خواهان ورود به فضای جریان‌ها هستند (خواستن) ولی چون در گام نخست، زیرساخت‌های فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات فراهم نشده است نمی‌توانند در فضای جریان‌ها جای گیرند (نتوانستن). دولت نیز با توجه به آنچه گفته شد، خواهان ورود به فضای جریان‌ها نیست (نخواستن) و اگر هم خواهان باشد، به دلیل آنکه زیرساخت‌های فن‌آوری گسترده را در گام نخست فراهم نیاورده است، توان وارد

شدن را نخواهد داشت (نتوانستن). برآیند گام دوم چیزی نیست مگر عدم ورود به فضای جریان‌ها و ماندن در فضای مکان‌ها. در گام سوم، هم مردم و هم دولت از آن روی که آدمی‌اند و سودپذیر و زیان‌گریز هستند، خواهان توسعه انسانی می‌باشند (خواستن) ولی چون در گام دوم، خود را از جریان‌های ثروت، قدرت و اطلاعات برکنار داشته‌اند، در فرآیند توسعه بوم خود به چالش کشیده می‌شوند. فرجام آنکه، برخی بوم‌ها با گذراندن این فرآیند سه گامی، گام به گام خود را به بیابان‌های تمدن اطلاعاتی نزدیک‌تر می‌کنند و در شمار بیابان‌نشینان درمی‌آیند.

کوتاه‌سخن، برخورداری نابرابر بوم‌ها از دموکراسی - که خود نیز تحت تأثیر میزان توسعه‌یافتگی بوم‌ها می‌باشد - زمینه‌ای می‌شود که هر بوم با نگاهی به سود و زیان خویش راهی را برگزیند. بوم دموکراتیک به دلیل سازگاری ماهیت خود با ماهیت تمدن اطلاعاتی، سود خود را در ورود به فضای جریان‌ها می‌بیند ولی بوم غیردموکراتیک به دلیل ناسازگاری ماهیت خود با ماهیت تمدن اطلاعاتی، سود خود را در ماندن در فضای مکان‌ها جستجو می‌کند. این «گسست فضایی» که ریشه در «گسست فن‌آوری» و پیش‌تر از آن ریشه در «گسست دموکراسی» دارد، خود زمینه‌ساز «گسست توسعه‌ای» می‌شود. این‌گونه است که در تمدن اطلاعاتی گسست در بوم‌ها شکل می‌گیرد (شکل شماره ۱).

در همین راستا، شکل شماره ۳ نشان می‌دهد که چگونه برخی بوم‌ها با پذیرش دموکراسی، راه فن‌آوری گسترده، فضای جریان‌ها و توسعه‌یافتگی را بر خویش می‌گشایند (→) و راه بیابان فناوری کران‌مند، فضای مکان‌ها و توسعه‌نیافتگی را بر خود می‌بندند (●--). چگونه برخی بوم‌ها با درپیش گرفتن رویکرد غیردموکراتیک، سه شاهراه کهندژنشینی (فن‌آوری گسترده، فضای جریان‌ها و توسعه یافتگی) را بر خویش می‌بندند و وادار می‌شوند که سه شاهراه بیابان‌نشینی (فن‌آوری کران‌مند، فضای مکان‌ها و توسعه‌نیافتگی) را در پیش گیرند. گرچه کاستلز، منبع اصلی نابرابری در جوامع را زمان‌بندی متفاوت برای دسترسی مردم، کشور، و مناطق به قدرت تکنولوژیکی می‌داند (Castells, 2001: 63)، ولی باید گفت که «زمان‌بندی متفاوت برای دسترسی به قدرت تکنولوژیکی» ریشه در «زمان‌بندی متفاوت برای دسترسی به

قدرت دموکراسی» دارد. برآستی که گسست‌گاه در تمدن اطلاعاتی، بیش و پیش از آنکه فن‌آوری باشد، همانا دموکراسی است (شکل شماره ۳).



شکل شماره ۳: دو راهی‌های گسست در تمدن اطلاعاتی

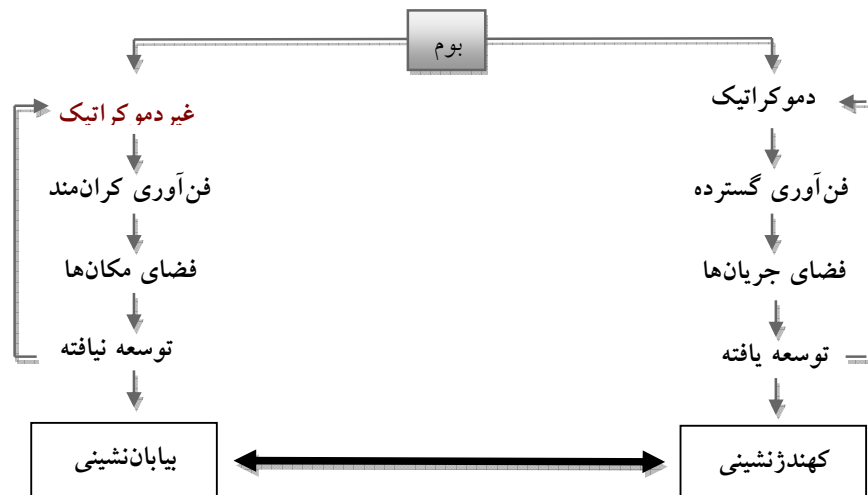
با نیک‌نگری در شکل شماره ۳ درمی‌یابیم که اگر در بوم، تنها هدف از کاشت دانه گندم (دموکراسی)، برداشت خود گندم (دموکراسی) باشد، کمابیش، آن بوم خودبه‌خود و خواه ناخواه، از گاهی (فن‌آوری، فضای جریانها و توسعه) که به دنبال رویش گندم به دست می‌آید، بهره‌مند می‌گردد، به گفته‌ی مولانا:

هر که کارد، قصد، گندم بایدش کاه، خود اندر تبع می‌آیدش

(Molavi, Masnavi E- Manavi, 1991:327)

شکل شماره ۴ نشان می‌دهد که در تمدن اطلاعاتی، نه تنها می‌توان بومها را در دو جرگه «کهندژنشینان» و «بیابان‌نشینان» جای داد بلکه بومها می‌توانند به میزان برخوردار از دموکراسی، فن‌آوری، فضای جریانها و توسعه‌یافتگی، در میانه دو سر پیوستار کهندژنشینی - بیابان‌نشینی جای گیرند، به این‌گونه که هرچه بومها از دموکراسی، فن‌آوری، فضای جریانها و توسعه‌یافتگی بیشتر بهره‌مند شوند، کهندژنشین‌تر، و هرچه از بهره کمتری برخوردار باشند،

بیابان‌نشینان تر خواهند بود.



شکل شماره ۴: پیوستار- جای‌یابی بوم‌ها در تمدن اطلاعاتی

نتیجه‌گیری

جوامع، با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... که دارا هستند، بوم‌های خود را با ساختارها، نهادها و سازمان‌های متفاوتی اداره می‌کنند و زمینه‌های زایش و رشد حاکمیت‌های متفاوتی را فراهم می‌سازند. جدای از اینکه چه فرآیندهایی این ساختارها و نهادها و حاکمیت‌ها را برپا ساخته است باید گفت در بوم‌هایی که با حاکمیت‌های دموکراتیک اداره می‌شود، قدرت، ثروت و اطلاعات، نامتمرکز بوده و میان شهروندان، نهادها، سازمانها و... توزیع شده است. از آنجایی که در تمدن اطلاعاتی، ثروت، قدرت و اطلاعات، در شبکه‌ها جریان دارد و بهره‌مندی از آنها نیازمند پیوستن به فضای جریان‌هاست لذا همین باعث شده که هم شهروندان و هم حاکمیت - که به دنبال رضایت شهروندان خود است - سود خود را در گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ببینند و با فراهم‌آوری آن، وارد فضای جریان‌ها شوند و از بوم خود، «بوم - فضا»یی بسازند که این کار، توسعه انسانی - که خود زمینه‌ساز دموکراسی

است - را برای آنها در پی داشته است. حاکمیت‌های فراگیر و تمامیت‌خواه که در آنها قدرت، ثروت و اطلاعات متمرکز است و خواهان توزیع آن نیز نمی‌باشند، سود خود را در تلاش برای نپیوستن به فضای جریان‌ها می‌بینند و تلاش دارند بوم خود را به صورت «بوم - مکان» نگه دارند، بنابراین فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات که ابزار ورود به فضای جریان‌هاست را به‌طور گسترده فراهم نمی‌سازند. با این روند، بوم‌های آنها به دلیل برکنار ماندن از جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شبکه‌ها، که زاینده زندگی عصر اطلاعاتی هستند، روز به روز در توسعه نیافتگی - که خود زمینه‌سوز دموکراسی است - فرو می‌روند و به جرگه بیابان‌نشینان می‌پیوندند. این دو رخداد ناهم‌سو که از دموکراتیک‌بودن یا دموکراتیک‌نبودن حاکمیت‌های بوم‌ها برمی‌خیزد، کهندژنشینی بوم - فضاها و بیابان‌نشینی بوم - مکان‌ها را در پی دارد و گسست بوم‌ها در تمدن اطلاعاتی را برپا می‌سازد. سازگاری ماهیت کثرت‌پذیر تمدن اطلاعاتی با ماهیت کثرت‌پذیر بوم‌های دموکراتیک از یک‌سو، و ناسازگاری آن با ماهیت کثرت‌گریز بوم‌های غیردموکراتیک، روشنگر (تبیین‌کننده) گسست بوم‌ها در تمدن اطلاعاتی است.

References

1. Abdollahi, Abdollah (2009); Iran's position in the globalization process, Journal of politic - economic. No. 265-266, pp: 124-138 [in Persian].
2. Aiken, Henry David (1963); The Age of Ideology. translated by: Aboutaleb Saremi, Amirkabir publication [in Persian].
3. Alkire, Sabina (2010); Human Development: Definitions, Critiques, and Related Concepts, United Nations Development Programme, Human Development Reports, Research Paper 2010/01, June 2010, 1-96.
4. Castells, Manuel (2001); The Information Age: Economy, Society and Culture, Rise of The Network Society (Vol1). translated by: Ahad Aligholian and Afshin Khakbaz, Tarhe No publication, Tehran [in Persian].
5. Castells. Manuel (1999); Information Technology, Globalization and Social development, UNRISD Discussion Paper No. 114.
6. Democracy index 2010 Democracy in retreat, A report from the Economist Intelligence Unit, www.eiu.com.
7. Gerloff , Karsten (2006); Access to Knowledge in a Network Society, A Cultural Sciences Perspective on the Discussion on a Development Agenda for the World Intellectual Property Organization, Master's Thesis ,Universität Lüneburg, Applied Cultural Sciences, Department of Language & Communication Studies /Cultural Informatics.
8. Ghasemi, Farhad (2008); A network approach to the regions and analysis of the processes in terms of the cyclic theories, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No.1, pp: 96-129 [in Persian].
9. Gholipour, Ariyan & Piran nezhad, Ali (2007); Promote public confidence and e-democracy: explaining the role of e-government, Human Sciences Modares. Vol.12, NO.1, pp: 219-256 [in Persian].
10. Ghoreishi, Fardin & Rafiei, Mehdi (2009); Sociological surveys about democracy and secularism, a case study of French democratic experience and iran, Journal of politic, Vol. 39, No. 4, pp: 171-190 [in Persian].
11. Ghourchi, Morteza (2009); globalization and the G20 Economic group. Journal of city Knowledge, NO. 1, Planning Center of Tehran city [in Persian].
12. Giddens, Anthony (2000); Runaway World. translated by: Ali Asghar Saeidi and Yousof Haji abdoLvahab, Elm & Adab publication, Tehran [in Persian].
13. Golmohamadi, Yahya (2002); Globalisation and culture, The articles of culture in the era of globalization: challenges and opportunities, Rozaneh publication, Tehran [in Persian].

14. Hafeznia, Mohamad reza and et al (2008); The role of place differences in citizens' attitudes toward the legitimacy theocracy, case study: Tehran, *Geopolitics Quarterly*, No 2, pp: 1-24 [in Persian].
15. hdr.undp.org/en/media/HDI2008Tables_rev.xls.
16. Hoseinpour, Jafar (2009); The study of ideas of Development with emphasizes on Iranian Scholars of Communications, Political & Economic Studies, No. 259-260, pp: 156-175 [in Persian].
17. <http://globalization.kof.ethz.ch>.
18. Javan, Jafar & Abdollahi, Abdollah (2006); a Review on globalization discourse and explanation of dialogue of the territory – World, *Geopolitics Quarterly*, No. 2, pp: 74-105 [in Persian].
19. Javan, Jafar & Abdollahi, Abdollah (2007); Worldwide communications and information civilization, a reflective within the context of spatial reflectivity, geography and development, Pp: 1-24 [in Persian].
20. Javidi K.j, Tahereh (2006); Looking at the size and scope of the concept of democracy, *Iranian Journal of Sociology*, No 2, pp:147-170 [in Persian].
21. Kamanroudi, Mousa and et al (2010); Explanation of philosophical - conceptual of city political geography, *Geopolitics Quarterly*, No.3, Vol. 6, pp: 9-44 [in Persian].
22. Little, Daniel (2002); Varieties of social explanation: an introduction to the philosophy of social science. translated by: Abdolkarim Soroush. Serat Institute. Tehran [in Persian].
23. Mahmoudi, Vahid (2009); Human Capabilities and Development, *Political & Economic Studies*, No. 259-260, pp: 124-131 [in Persian].
24. Mohaghar, Ali et al (2008); the application of Business intelligence as a strategic information technology in banking: check and detect fraud, *Journal of Information Technology management*, No.1, pp: 105-120 [in Persian].
25. Molavi ,Molana Jalal-e-Din Mohammad (1972); *Divan-e Shams-e Tabrizi*, Javidan publication, Tehran [in Persian].
26. Molavi ,Molana Jalal-e-Din Mohammad (1991); *Masnavi- e Manavi*, Javidan publication, Tehran [in Persian].
27. Mousavi shafaei, Masoud (2010); city diplomacy: a tool for national development in the age of flows space, *Journal of city Knowledge*, No. 18, Planning Center of Tehran city, Pp: 1-34 [in Persian].
28. Mousavi shafaei, Masoud (2010); development-based approach to the Iran's foreign policy, necessity, and challenges, *Journal of politic*. Vol 40, No2, pp: 319-338 [in Persian].
29. Nietzsche, Friedrich Wilhelm (2007); *Also sprach zarathustra: ein buch fur alle und keinen*, translated by Dariush Ashoori, Agah publication, Tehran [in Persian].
30. Pourpashakasin, Ali (2007); In the way of globalization: gains and losses, *Political & Economic Ettela'at*. No.241-242 [in Persian].

31. Rahmanseresht, Hosein & Afsar, Amir (2008); The effect of information-sharing on competitive strategies and supply chain performance, Journal of information technology management, Vol 1, pp: 37-47 [in Persian].
32. Saei, Ahmad (2008); Globalization and its relation to poverty, Journal of politic, Vol: 38, No 1, pp: 71-101 [in Persian].
33. Scholte. J.A (2007); globalization: a critical introudction. translated by Masoud Karbasian, Elmi & Farhangi publication, Tehran [in Persian].
34. Soroush, Abdolkarim (1997); Lessons in the philosophy of social science, Ney publication, Tehran [in Persian].
35. Tohidfam, Mohamad (2002); The articles of culture in the era of globalization: challenges and opportunities, Rozaneh publication, Tehran [in Persian].
36. www.itu.int/ITU-D/.